

تأثیر عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی بر گرایش‌ها و باورهای پیش از ازدواج: پژوهش کیفی

نعیمه ادبی^۱

ایمان الله بیگدلی^۲

محمدجواد اصغری ابراهیم‌آباد^۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی بر گرایش‌ها و باورهای پیش از ازدواج انجام شد. پژوهش با روش کیفی و با رویکرد زمینه‌ای صورت گرفت. ۲۵ نفر از دخترانی که برای زمانی برابر شش ماه عضو شبکه‌های اجتماعی بودند و در گروه‌های جنس ناهمسان عضو بودند با روش نمونه‌گیری گلوله برفی انتخاب شدند و داده‌ها با به‌کارگیری مصاحبه نیمه ساختاریافته تا رسیدن به اشباع اطلاعات گردآوری شد. بر اساس مصاحبه‌های به‌عمل‌آمده ۱۱ طبقه اصلی از پاسخ‌ها به دست آمد که این ۱۱ طبقه در چهار خوشه عوامل شناختی (نگرش به عضویت، ملاک‌های همسرگزینی)، ارزش‌ها (هنجارهای فرهنگی و باورهای دینی)، عوامل زمینه‌ساز روان‌شناختی (ارضای نیاز، اضطراب از ازدواج و احساس تنهایی) و سبک زندگی (نفوذ اجتماعی رسانه و روابط میان فردی) که دارای بیشترین تکرارپذیری بود گنجانده شد. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که حضور در شبکه‌های اجتماعی بر باورها و گرایش‌های پیش از ازدواج دختران تأثیر گذاشته و به نحو قابل توجهی گرایش و تمایل به ازدواج را میان آنان کاهش داده است.

کلیدواژه‌ها: شبکه‌های اجتماعی مجازی، باورها و گرایش‌ها، روابط پیش از ازدواج

۱. کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

۲. دانشیار گروه آموزشی روان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول) ibigdeli.um.ac.ir

۳. استادیار گروه آموزشی روان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

مقدمه

ازدواج یک فرایند مهم در زندگی انسان‌ها است و در همه زمان‌ها و همه فرهنگ‌ها به شکل‌های گوناگون رواج داشته است. ازدواج مهم‌ترین مرحله در شکل‌گیری زندگی فرد است که آن انتخاب همسر صورت می‌گیرد و موفقیت در دیگر مراحل زندگی به موفقیت در این مرحله بستگی دارد (فریدمن و همکاران، ۲۰۰۳). در واقع می‌توان گفت ازدواج مهم‌ترین گامی است که یک فرد در زندگی برمی‌دارد و این اقدام شاید همه زندگی فرد را از نو بسازد یا نابسامان کند، شاید وجود و شخصیت فرد را بنا کند و مایه رشد هر جنبه از اخلاق در فرد شود و یا سبب شکست فرد افسردگی وی گردد. امر ازدواج از نظر اجتماعی به‌عنوان پیوندی باثبات و هدفمند میان زن و مرد در بستر خانواده شناخته می‌شود که در سال‌های پسین دست‌خوش تغییر و تحولاتی عمیق در تمامی ابعاد شده است (موسوی حکمتی، ۱۳۹۳). در سال‌های اخیر نگرش جوانان نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده جهت‌گیری منفی یافته و به دنبال این نگرش منفی تباهی اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی در جوانان عمومیت یافته است (جانسون، ۲۰۰۰). زمان ازدواج و تشکیل خانواده از عوامل مختلفی تأثیر می‌پذیرد. توسعه و نوسازی در دنیای جدید و تغییر سریع و قابل توجه شرایط اجتماعی و اقتصادی افراد، تغییر در زمان و تأخیر آن به زمان‌های دورتر را موجب شده است (محمودیان، ۱۳۸۳).

جامعه ایران در سال‌های گذشته همگام با دگرگونی‌های ساختی و رفتاری و پیوند گسترده با جامعه جهانی، وهم چنین آشنایی با سامانه ارزش‌های نوین در گستره جهانی، با دگرگونی‌های مهمی روبه‌رو بوده است. ارزش‌ها و نگرش‌ها درباره نهاد خانواده، ازدواج، شیوه‌های همسرگزینی، از زمینه‌هایی بوده که دچار دگرگونی گسترده‌ای شده است تا جایی که می‌توان گفت ارزش‌های ایرانیان دچار نوزایی است (ساروخانی و رفعت‌جاه، ۱۳۸۳).

روابط آزادانه دختر و پسر پیش از ازدواج در جامعه پدیده‌ای ست نوظهور که در هیچ دوره‌ای از کشور ما بدین گستردگی (چه در سطح رفتاری و چه در سطح نگرشی) دیده نشده است؛ اما در سال‌های اخیر همراه با افزایش دانش‌آموختگی زنان و حضور آنان در بسترهای مختلط اجتماعی و رسانه‌های گروهی، دگرگونی‌های بنیادی در زمینه‌های فرهنگی جامعه‌پذیری، پدیده روابط و

تأثیر عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی بر گرایش‌ها..... ادبی، بیگدلی و اصغری ابراهیم آباد

معاشرت پیش از ازدواج از درون روابط شخصی میان جوانان در حال افزایش است (جوکار و عبداللہیان، ۱۳۸۳؛ احمد نیا، ۱۳۸۳).

مدت زمانی است که موضوع رابطه پیش از ازدواج در میان دختران و پسران دست کم در برخی از انجمن‌های علمی مطرح شده است. خانواده‌ها در این زمینه دچار مشکل شده‌اند و به آشکاری این رفتار در جامعه رو به افزایش است. روابط دختر و پسر در کشور ما پدیده تازه‌ای است که هم در سطح رفتاری و هم در سطح نگرش رو به گسترش است. نتایج چندین پژوهش در این زمینه روشنگر شکل‌گیری این نوع روابط (در سطوح گوناگون) و گسترش آن است (جوکار و موحد، ۱۳۸۲؛ شوازی، ۱۳۸۵).

روابط پسران و دختران پیش از ازدواج همواره موضوعی مهم و درعین حال پوشیده از ابهام و همراه با شک و دودلی و اضطراب بوده است. از طرفی فشارها و تنش‌های غریزی باعث می‌شود که نوجوانان خودبه‌خود به سمت جنس ناهمسان گرایش پیدا کنند و از سوی دیگر ملاحظات اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی به‌عنوان موانعی سر راه آنان عمل کرده‌اند. این حالت‌های متضاد و ناسازگار در جامعه همواره برای نوجوان و جوانان و همچنین اولیاء و مسئولان آموزش پرورش مسئله‌ساز و پیچیده بوده و وضعیت نامعلوم و سرگرمی را از لحاظ شیوه کنار آمدن با این مشکل ایجاد کرده است (کوثری، ۱۳۸۳).

در چند دهه پسین، روابط میان دختران و پسران جوان و نوجوان، همواره به‌صورت بک مسئله و معضل اجتماعی مطرح بوده است. اولیای خانه و مدرسه، پیوسته به شکل حادی با این مسئله روبه‌رو بوده‌اند که چگونه می‌توان دختر و پسر را تا رسیدن به زمان مناسب برای ازدواج، از هم دورنگه داشت؟ برای آنان و به‌خصوص اولیای دختران، این پرسش همواره مطرح است که چه کنند تا جوانان و نوجوانان خانواده به شکل مشروع و نامتعارف با افراد غیر هم‌جنس، رابطه برقرار نسازند (جوکار و موحد، ۱۳۸۲).

امروزه با آغاز دوران بلوغ، نوجوان دوران پرتلاطمی را پشت سر می‌گذارند که این دوران برای آنان و خانواده‌هایشان از اهمیتی ویژه برخوردار است. هر تصمیم حساب‌شده در رابطه با جنس ناهمسان آنان را به سرچشمه خیر و نیک‌خواهی هدایت خواهد کرد و هر تصمیم نا به‌جا و

تأثیر عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی بر گرایش‌ها..... ادبی، بیگدلی و اصغری ابراهیم آباد

دورازخردی، سرانجامی جز بدفرجامی و شکست به دنبال نخواهد داشت (حورایی، ۲۰۰۹). آنچه نسل امروز ما را دچار گونه‌ای سردرگمی و پریشانی می‌کند از سوی زندگی در جامعه‌ای اسلامی و آمیخته با فرهنگ و رسوم ایرانی است که پیشینه‌ای کهن دارد و از سوی دیگر رویارویی با مسئله ارتباط تمدن‌ها از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنت است که میل مختلف را به گونه‌ای شگرفت به یکدیگر نزدیک می‌سازد (محمدعلی، ۱۳۹۳).

هم‌نشینی و دوستی آزادانه دختر و پسر می‌تواند دشواری‌ها و گرفتاری‌های چندی را برای آنان ایجاد کند و آنان را از مسیر عادی زندگی‌شان دور سازد. در این رهگذر دختران به مراتب بیش‌تر از پسران آسیب‌های روانی و اجتماعی و گاه جسمی و بهداشتی می‌بینند که بر زندگی شخصی، خانوادگی و سلامت جسمی آن‌ها اثرات منفی بر جای می‌گذارد و گاه مایه ازهم‌پاشیدگی زندگی آنان می‌شود (گلزاری، ۱۳۸۲؛ به نقل از رفاهی و گودرزی، ۱۳۹۱).

یکی از مهم‌ترین عواملی که نقش مهمی در ایجاد و گسترش این روابط داشته است شبکه‌های اجتماعی تحت وب است. شبکه اجتماعی دربرگیرنده افرادی است که به وسیله وابستگی‌های خاص به یکدیگر متصل شده‌اند. این وابستگی‌ها می‌تواند اهداف، آرمان‌ها، مسائل مادی، اقتصادی، اجتماعی و همین‌طور مسائل مذهبی باشد. نوع ارتباط به میزان زیادی به این اهداف و همچنین افراد وابسته استوار است (صدیق‌بنای، ۱۳۷۸؛ به نقل از بشیر و افراسیابی، ۱۳۹۲).

یکی از ویژگی‌های برجسته ارتباطات در دنیای معاصر این است که در مقیاسی جهانی صورت می‌پذیرد. شبکه‌های اجتماعی جهت یافتن دوستان قدیمی و حفظ ارتباط، یافتن دوستان جدید و برقراری ارتباط و بحث و مبادله نظر محیطی ایجاد می‌کند که این ارتباط، محیط را جذاب‌تر می‌کند، گرایش به ارائه نظر خود در فضایی عمومی و به‌دوراز دغدغه و شنیدن نظرات دیگران در آرامش و همچنین، تمایل به تأیید شدن یا تأیید گرفتن از ویژگی‌هایی است که این شبکه‌ها را برای کاربران جذاب می‌کند (چونگ، ۲۰۱۰). هایدمان پژوهشگر آلمانی شبکه‌های اجتماعی مجازی معتقد است که: شبکه‌های مجازی نوعی از الگوهای تماس هستند که در آن‌ها تعاملات و ارتباطات میان عوامل شبکه‌ای توسط یک پایگاه فنی و زیرساخت اینترنت موردحمایت و پشتیبانی قرار

تأثیر عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی بر گرایش‌ها..... ادبی، بیگدلی و اصغری ابراهیم آباد

می‌گیرد. در این شبکه‌ها علاقه یا نیاز مشترک می‌تواند عاملی پیونددهنده باشد که باعث می‌شود تا عوامل مرتبط، حتی بدون حضور فیزیکی احساس کنند که در یک اجتماع و جمع حقیقی قرار گرفته‌اند (۲۰۱۰).

کاربران جوان ایرانی نیز از این بستر ارتباط جهانی به دور نمانده و در میان دیدگاه‌های متفاوت تأیید کننده و نفی کننده، با استقبال بی‌سابقه‌ای، حضور در شبکه‌های اجتماعی را تجربه می‌کنند. در چند سال پسین این شبکه‌ها به واسطه قابلیت‌ها و توانایی‌های نوآورانه و منحصر به فرد مورد اقبال اصحاب ارتباطات و جوانان نوگرا قرار گرفته و از سویی دیگر به واسطه نهادهای دولتی بابت فرصت برآمده از همان ظرفیت بالقوه در شرایط خاص پایش می‌شود و در صورت نیاز محدودیت‌هایی اعمال می‌گردد. به هر صورت ورود به دنیای مجازی شبکه‌ای، زندگی دومی است که آغاز شده و نمی‌توان آن را نادیده گرفت (شهابی و قدسی، ۱۳۹۱).

زندگی روزمره نسل جوان به شبکه‌های اجتماعی اندرویدی گره خورده است. برخی پیامدهای حضور همیشگی این شبکه‌ها در زندگی‌ها آن قدر واضح و پررنگ است که افراد می‌توانند بخشی از ناکامی‌های زندگی‌شان را آشکارا به آن ربط دهند.

گسترش روزافزون روابط میان دختر و پسر پیش از ازدواج در این شبکه‌ها ارزش‌های تازه‌ای را جایگزین ارزش‌های سنتی آن‌ها نموده و معاشرت میان آن‌ها را به حداکثر رسانده است. جوانان از سویی با هنجارهای مذهبی، اجتماعی و خانوادگی خود روبه‌رو هستند که برخوردی سخت‌گیرانه درباره این معاشرت‌ها و دوستی‌ها دارد، از سویی دیگر با تجربه‌های روزمره، نیازهای ویژه دوره نوجوانی و ارزش‌ها و نگرش‌های نوین که آن‌ها را به چنین روابطی برمی‌انگیزد (موحد، ۱۳۸۵).

حال با توجه به نفوذ و تأثیری که شبکه‌های اجتماعی در شکل‌گیری روابط نوین دارد: این سؤال مطرح است که عضویت و حضور در شبکه‌های اجتماعی چه تأثیری بر گرایش‌ها و باورهای پیش از ازدواج دارد؟ بنابراین مسئله اصلی این پژوهش، بررسی تأثیر عضویت در فضای مجازی بر باورها و نگرش‌های پیش از ازدواج است.

روش

این پژوهش به شیوه تئوری زمینه‌ای^۱ و با بهره‌گیری از مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام گرفت. جامعه آماری پژوهش دربرگیرنده ۲۵ نفر از دختران در دامنه سنی ۱۶-۲۴ سال بود که دست کم شش ماه در شبکه‌های مجازی در گروه‌های غیر هم‌جنس عضو بودند.

به منظور جمع‌آوری اطلاعات از مصاحبه نیمه ساختاریافته بکار بسته شد که نمونه‌یابی به روش گلوله برفی صورت گرفت بدین شکل که پس از مصاحبه با یکی از اعضای شبکه و شناسایی نمونه‌های اولیه از آن‌ها خواسته شد افراد دیگری که در این شبکه‌ها هستند معرفی کنند و دامنه نمونه‌ها بدین‌سان گسترش یافت. برای هر فرد در حدود ۴۵ تا ۶۰ دقیقه زمان اختصاص داده شد و این روند برای زمانی برابر ۴ ماه تا مرحله اشباع اطلاعات ادامه یافت. مصاحبه‌ها با توافق شرکت‌کنندگان به‌طور حضوری در موقعیت طبیعی (محل تحصیل؛ دانشگاه و مدرسه) اجرا شد. پیش از آغاز مصاحبه، افزون بر رضایت شفاهی، فرم رضایت کتبی از افراد برای شرکت در پژوهش دریافت شد و به شرکت‌کنندگان از جهت پنهان ماندن هویت، محرمانه بودن اطلاعات دریافتی و حق انصراف از ادامه همکاری با پژوهشگر اطمینان و آگاهی داده شد مصاحبه شامل گزارش فرم اطلاعات شخصی (سن، تحصیلات، وضعیت خانوادگی، وضعیت اقتصادی) و مصاحبه اصلی دربرگیرنده سوالات مرتبط با پدیده حضور در شبکه‌های اجتماعی بود. همچنین در برخی از موارد، به دلیل عدم احراز شرایط مطلوب و نیاز به تکمیل و شفاف‌سازی بیشتر اطلاعات اخذشده، مصاحبه در طی دو جلسه برگزار شد. با توجه به اصول مصاحبه نیمه ساختاریافته، گفتگو با سوالات کلی همچون؛ هدف از عضویت در شبکه‌های مجازی و ارتباط با جنس ناهمسان چه بوده است؟ مباحث مطرح‌شده در گروه‌های جنس ناهمسان پیرامون چه موضوعاتی بوده است؟ آیا این شبکه‌ها این امکان را برای شناخت طرف مقابل جهت ازدواج فراهم می‌کند؟ انتظارات و نگرش‌ها به ازدواج پیش و پس از عضویت در این فضا چه تغییری کرده است؟ آغاز شد و سپس سوالات اختصاصی‌تر به‌منظور پیگیری پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان مدنظر قرار گرفت.

¹. Grounded Theory

شرح روش و شیوه اجرای پژوهش

تئوری زمینه در سال ۱۹۶۷ توسط گلاسر و استراوس معرفی شد که به‌عنوان یکی از روش‌های کیفی برای پژوهش‌هایی که درصدد نظریه‌یابی هستند مناسب است. در واقع آن‌ها به تدوین روشی پرداختند که منجر به ایجاد نظریه، بدون هیچ فرضیه از پیش تعیین‌شده‌ای در ذهن محقق و صرفاً بر اساس تحلیل داده‌های گردآوری‌شده می‌گردد. در این روش از سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی در تحلیل داده‌ها استفاده می‌شود. در مرحله اول با بررسی دقیق و جامع داده‌های برآمده از مصاحبه، مفاهیم مرتبط استخراج‌شده و در طی مرحله کدگذاری محوری، محورهای اصلی به همراه ابعاد برای مفاهیم استخراج‌شده در نظر گرفته می‌شود. در مرحله پایانی نیز به تعیین مقوله‌های نهایی و مقوله اصلی در پدیده موردنظر پرداخته خواهد شد. در مرحله کدگذاری آزاد^۱، تحلیل داده‌هایی که به‌منظور تکوین نظریه زمینه‌ای گردآوری می‌شوند، با استفاده از رمزگذاری نظری^۲ انجام می‌گیرد؛ که مطابق با آن:

اول، ابتدا رمزهای مناسب به بخش‌های مختلف داده‌ها اختصاص داده شد و این رمزها در قالب مقوله‌ها دسته‌بندی گشت که این فرایند، رمزگذاری آزاد نامیده می‌شود. دوم، با اندیشیدن در مورد ابعاد متفاوت مقوله‌های به‌دست‌آمده در کدگذاری آزاد و یافتن پیوندهای میان آن‌ها به کدگذاری محوری^۳ اقدام نمودیم. سوم، کدگذاری انتخابی^۴ انجام گرفت. لازم به ذکر است که در جریان این رمزگذاری‌ها، پژوهشگر با استفاده از نمونه‌گیری نظری^۵ و با توجه به مفاهیم پدیدار شده از دل داده‌ها، به گردآوری داده‌ها در مورد افراد، رخدادها و موقعیت‌های مختلفی می‌پردازد که تصویر غنی‌تری از مفاهیم و مقوله‌های حاصل، فراهم خواهند کرد. سرانجام، با رمزگذاری گزینشی مقوله‌ها پالایش می‌شوند و با طی این فرایندها درنهایت، چارچوبی نظری پدیدار می‌شود (استراس، کوربین، ۱۹۹۸). چهارم، یادداشت‌برداری انجام گرفت و پنجم، نگارش و تدوین تئوری صورت پذیرفت.

1. Open coding

2. Theoretical coding

3. Axial coding

4. Selective coding

5. theoretical sampling

در این پژوهش تحلیل داده‌ها هم‌زمان با گردآوری اطلاعات که به وسیله یادداشت‌برداری صورت می‌گرفت، به‌طور مداوم از همان ابتدا با شروع اولین مصاحبه از نخستین فرد انجام شد. در مرحله اول با موشکافی و دقت نظر در اطلاعات گردآوری شده برآمده از مصاحبه، مفاهیم اولیه استخراج و کدگذاری شدند. انجام مصاحبه‌های بیشتر تا مرحله اشباع اطلاعات به‌منظور شناسایی بیشتر مفاهیم صورت گرفت. در مرحله کدگذاری محوری، مفاهیم کدگذاری شده هر مصاحبه در مقایسه با مفاهیم سایر مصاحبه‌ها به ایجاد یک مقوله مشترک انجامید که البته این مقوله‌ها به همراه زیر مقوله‌های مرتبط به‌طور دائم در معرض بازبینی و تغییر قرار داشتند. در مرحله نهایی تحت عنوان کدگذاری انتخابی، طبقات یکپارچه و طبقه اصلی مشخص شد. در نهایت چهار طبقه اصلی از مفاهیم اولیه تشکیل شد که شامل: ۱. عوامل شناختی؛ ۲. ارزش‌ها؛ ۳. عوامل زمینه‌ساز روان‌شناختی و ۴. سبک زندگی، طبقات اصلی و مرکزی پذیرش بودند

به‌منظور حصول اطمینان از اعتبار یافته‌های پژوهش، معیارهای که توسط گوبا و لینکن درباره اعتبار یافته‌های کیفی مطرح شد، مورداستفاده قرار گرفت. چهار معیار شامل: ۱. باورپذیری^۱؛ ۲. انتقال‌پذیری^۲؛ ۳. اطمینان‌پذیری^۳ و ۴. تصدیق‌پذیری^۴ می‌باشند (بریمن، ۲۰۰۱؛ به نقل از عباس زاده، ۱۳۹۱).

به‌منظور دستیابی به ملاک‌های فوق، تماس طولانی‌مدت با شرکت‌کنندگان و مشاهدات مستمر در محیط پژوهش انجام گرفت. همچنین کوشش شد تا از منابع مختلف (دوستان) برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شود و داده‌ها توسط همکاران موردبازنگری قرار گیرد. در رابطه با انتقال‌پذیری، یافته‌های جمع‌آوری شده توسط اساتیدی که در پژوهش حضور نداشتند موردبررسی و تأیید قرار گرفتند. اطمینان‌پذیری یافته نیز توسط کدگذاری جداگانه توسط دو نفر از اعضای پژوهش نشان داده شد. در نهایت به‌منظور جلوگیری از سوگیری ذهنی، ضمن مرور محدود پیشینه پژوهشی؛ کوشش شد تا پیش‌پنداشته‌های ذهنی پژوهشگران در مراحل جمع‌آوری و کدگذاری مصاحبه‌ها دخالت داده نشود.

1. Credibility
2. Transferability
3. Dependability
4. Confirm ability

یافته‌ها

برای بررسی محتوای مصاحبه‌های صورت گرفته و طبقه‌بندی مفاهیم استخراج شده جدول زیر طراحی شد. فرایند روانی اجتماعی اساسی یا مقوله‌های مرکزی به دست آمده از مصاحبه با نمونه‌های مورد بررسی به چهار زیرمجموعه تقسیم گردید که عبارت‌اند: ۱. عوامل شناختی ۲. ارزش‌ها ۳. عوامل زمینه‌ساز روان‌شناختی ۴. سبک زندگی، گردید که هر کدام از این مجموعه‌ها به نحوی تبیین کننده نوع حضور در این گونه شبکه‌ها است.

جدول ۱. طبقه‌بندی داده‌های به دست آمده از مصاحبه

طبقات	زیر طبقات
عوامل شناختی	نگرش به عضویت
	ملاک‌های همسرگزینی
ارزش‌ها	اعتمادپذیری
	باورهای دینی
	هنجارهای فرهنگی
عوامل زمینه‌ساز روان‌شناختی	ارضای نیاز
	اضطراب
	احساس تنهایی
سبک زندگی	نفوذ اجتماعی رسانه
	تعاملات بین فردی

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج ارزیابی برآمده از مصاحبه‌شونده‌ها نشان داد که شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌تواند بر ابعاد مختلف زندگی افراد و باورهای جوانان نسبت به ازدواج تأثیر بگذارد.

در مقوله نخست، نگرش افراد مصاحبه‌شونده به عضویت بررسی شد. یافته‌های چوینسون (۲۰۰۸)، بوید (۲۰۰۷)، کوثری (۱۳۸۶)، اسماعیلی، افسر دیر و عبدالمالکی (۱۳۸۹)، نشان می‌دهد که آنچه فرد را تحریک به ماندن در فضای مجازی می‌کند حفظ تماس با دیگران، دوست‌یابی و یافتن شریک زندگی است که نتایج آن‌ها با پژوهش حاضر همسویی دارد. در نین یافته‌ها می‌توان گفت که بیشتر افراد شرکت‌کننده از آغاز با انگیزه سرگرمی وارد گروه‌های جنس ناهمسان می‌شوند ولی پس از چند گاهی درصد شناخت جنس ناهمسان برآمده و پس از جذابیت‌هایی که در گفتگو با جنس ناهمسان می‌یابند به دوستی با آنان گرایش نشان می‌دهند و نگرش مثبتی نسبت

تأثیر عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی بر گرایش‌ها..... ادبی، بیگدلی و اصغری ابراهیم آباد

به حضور خود در این فضا پیدا می‌کنند. ولی دسته‌ای از افراد حاضر در پژوهش نیز عدم حضور در گروه‌های جنس ناهمسان را منفی ارزیابی می‌نمایند و آن را تباه کردن زمان می‌دانند.

در مقوله ملاک‌های همسرگزینی، یافته‌های این پژوهش حاکی از این بود که دسته‌ای از مصاحبه‌شوندگان نسبت به این نوع همسرگزینی نگرشی منفی دارند و برخی نیز این شیوه از همسرگزینی را مثبت ارزیابی می‌کنند. تبیین یافته‌ها نشان می‌دهد که گسترش شبکه‌های اجتماعی در نگرش به ازدواج و شیوه‌های همسرگزینی میان جوانان سهم بسزایی داشته است ولیکن افراد اگرچه در این گروه‌ها عضو هستند ولی نمی‌توانند به اطلاعاتی که در این فضا از فرد مقابل خود دریافت می‌کنند اعتماد کنند و حتی برخی از آن‌لاین از اینکه وارد این فضا شدند از برای تجربیات منفی‌ای که خود و یا دوستانشان کسب کرده‌اند اعتمادشان را ازدست‌داده‌اند و تمایلشان به ازدواج پس از شناخت بیشتر جنس ناهمسان در این فضا کمتر شده است.

درزمینه باورهای دینی، نتایج پژوهش‌ها شوازه‌ای (۱۳۸۷)؛ مستین (۲۰۰۱)؛ نشان‌دهنده میزان بالای اعتماد افراد به اصول اعتقادی و دینی بوده است و نوجوانان همچنان که در این پژوهش دیده شد به ارزش‌ها و هنجارهای دینی مربوط به معاشرت رابطه دختر و پسر پیش از ازدواج پایبند بوده‌اند. در تبیین این یافته می‌توان گفت بیشتر مصاحبه‌شوندگان علیرغم تمایلات درونی خود برای حضور در گروه‌هایی با مباحث جنسی به خاطر ارزش‌های دینی‌ای که در خانواده خود کسب کرده بودند حضور در گروه‌هایی که ناسازگار با این ارزش‌ها بود را باعث احساس گناه و عذاب وجدان می‌دانستند و معتقد بودند که این ارزش‌ها رفتارشان را در شبکه مجازی مهار می‌کند.

رفتارشناسان باور دارند که رسانه‌ها بر شیوه رفتاری، نحوه سلوک و سلیقه‌های عمومی در جامعه و هنجارهای مردم اثر می‌گذارند (اسکندی، ۱۳۹۲). پژوهش شیخی (۱۳۹۲) نیز، روشن‌گر این بود که به دنبال دگرگونی در نظام هنجاری جامعه، دگرگونی در ارزش‌ها و گسترش شهرنشینی، برداشتن محدودیت در روابط میان دو جنس ناهمسان کاهش یافته که به نوبت خود بسیاری از الگوهای رفتاری، ارزش‌های مربوط به خانواده و هنجارهای موجود در جامعه را تحت تأثیر قرار داده است. تبیین یافته‌ها نشان داد دگرگونی‌هایی که به واسطه رسانه در سبک زندگی ایجاد شده است بر عادی جلوه دادن روابط دختر و پسر پیش از ازدواج و بیرون از چهارچوب‌ها مهر تأیید می‌زند.

همچنین پژوهش‌های بیرکلاند و همکاران (۲۰۰۳)، هاگس و همکاران (۲۰۰۲)، نشان دادند که افراد در انتخاب همسر، به تشابه نژاد، مذهب، منزلت و نگرش‌های ارزشی و احکام جامعه خود توجه دارند که در تبیین یافته‌ها می‌توان گفت دسته‌ای از دخترانی که این فضا را برای آشنایی با فرد مقابل انتخاب می‌کنند به خاطر هنجارهایی که در جامعه ایرانی حاکم است این نوع آشنایی را مخفی می‌کنند و سعی دارند با توسل به آنچه عقاید و هنجارهای جامعه و خانواده‌شان می‌پسندند آن را به شکل پسندیده نشان دهند و نظر افراد مهم مثل خانواده را برای ازدواجشان جلب کنند.

الگوی رضامندی استفاده از رسانه معتقد است که مهم‌ترین دلیل گرایش افراد به رسانه‌ها رفع نیازشان است و رسانه به‌نوعی می‌تواند نیازهای افراد را در همه جوانب پوشش دهد و شرایط خشنودی و رضامندی را در فرد ایجاد کند.

در تبیین یافته‌های پژوهش در مقوله ارضای نیاز می‌توان گفت که بسیاری از کسانی که در گروه‌های جنس ناهمسان عضو می‌شوند از نظر احساسی و روانی خود را نیازمند به جنس ناهمسان می‌دانند. در واقع اکثر کسانی که در این شبکه‌ها عضو هستند از نظر عاطفی به ارتباط با جنس ناهمسان تمایل دارند و عده کمی از آنان دلیل حضور خود را در فضایی که مباحث جنسی مطرح می‌شود ارضای بصری و روانی نیازهای جنسی خود اعلام کرده بودند.

یافته و مطالعات تاجر (۲۰۰۷) نشان داد با توجه به نقش بسیار مهم اینترنت در زمینه‌های مختلف زندگی فرد، مسئله اضطراب اینترنتی از اهمیت زیادی برخوردار است. اضطراب اینترنتی بنا بر تعریف، ترس یا هراسی است که افراد هنگام حضور در این فضا تجربه می‌کنند. اضطراب اینترنتی شامل احساس یا هیجان به وجود آمده به علت استفاده از فناوری‌های وابسته به وب است که در فرد استفاده‌کننده ایجاد می‌شود. در تبیین یافته‌ها می‌توان گفت که با توجه به جدید بودن فضای شبکه اجتماعی برای انتخاب همسر و گسترش شبکه‌های اینترنتی همسرگزینی و دسترسی همه‌جانبه مصرف‌کنندگان به آن، آنچه در این پژوهش بارز بود، ترس و اضطراب شرکت‌کنندگان مبنی بر شناخت کامل و حقیقی جنس ناهمسان در این فضا بود و تجربه آسیمی که برخی از دختران از فریب‌کاری جنس ناهمسان دیده بودند این اضطراب را تقویت می‌کرد ضمن اینکه خیلی از شرکت‌کنندگانی که این ارتباط را در این گونه شبکه‌ها تجربه می‌کردند از اینکه رابطه‌شان تداوم می‌یابد یا خیر بشدت اظهار نگرانی می‌کردند.

برخی پژوهشگران دریافته‌اند که ارتباطات آنلاین در درازمدت به دلیل ایجاد رضایت روانی در نوجوان، باعث کاهش تعامل آن‌ها با خانواده خواهد شد، زیرا ارتباط با خانواده برای نوجوانان دارای اولویت پایین‌تر و جذابیت کمتری نسبت به تعامل با همسالان است. همچنین مطالعات هایدمان (۲۰۱۰)، نشان دادند، شبکه‌های اجتماعی بیش‌ازپیش رابطه‌های چهره به چهره را کاهش می‌دهند ولی در مقابل به گسترش روابط مجازی و دیجیتالی کمک می‌کند و حضور در این شبکه‌ها می‌تواند عنصری پیونددهنده میان افراد باشد تا عوامل مرتبط بدون نیاز به حضور فیزیکی احساس کنند در یک اجتماع قرار گرفته‌اند.

در تبیین این یافته می‌توان گفت که ارتباطات شبکه مجازی روابط درون خانواده را بشدت در میان اعضا کاهش داده است ولی ارتباط با گروه دوستان پس از عضویت در این شبکه‌ها بسیار افزایش داده است. درواقع همه مصاحبه‌شوندگان به این نکته نیز اشاره کردند که این فضا ارتباطات رودررو و چهره به چهره آنان را تحت تأثیر قرار داده و آن را به شکل چشمگیری کاهش داده است.

محدودیت‌های عمده در این پژوهش این است که مسئله جلب اعتماد میان مصاحبه‌شونده و مصاحبه‌گر، هنگام جمع‌آوری اطلاعات کار تقریباً دشواری بود و انجام مصاحبه و پرسش و پاسخ‌ها به جهت جمع‌آوری داده‌ها بیش‌ازحد زمان‌بر بود که از حوصله برخی از شرکت‌کنندگان خارج می‌شد. دوم اینکه عدم کنترل ویژگی‌های روانی و شخصیتی آزمودنی‌ها، قابلیت تعمیم‌پذیری یافته‌ها را کاهش می‌داد.

همچنین با توجه به گسترش روزافزون حضور جوانان در شبکه‌های اجتماعی پیشنهاد می‌گردد نظارت کارشناسانه بر شبکه‌های اجتماعی، توسط سیاست‌گذاران حوزه مجازی انجام شود تا از طرفی بتوان با استفاده از امکانات و فرصت‌های ایجادشده در شبکه‌های اجتماعی، شرایط تقویت و گسترش سبک زندگی سالم و بدون تنش را برای دختران جوان مهیا کرد و کوشش برای آگاهی بخشی به جوانان و اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی به دختران، در خصوص نحوه استفاده از شبکه‌های مجازی صورت بگیرد.

سپاسگزاری. از تمامی عزیزانی که در تدوین و گردآوری داده‌ها همکاری صمیمانه داشتند کمال تشکر را داریم.

تأثیر عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی بر گرایش‌ها..... ادبی، بیگدلی و اصغری ابراهیم آباد

منابع

- احمد نیا، شیرین؛ امیر هوشنگ، مهیار. (۱۳۸۳). نگرش و ایده آل‌های نوجوانان تهران در زمینه همسرگزینی، فرزند آوری و تنظیم خانواده. مقاله‌ی ارائه‌شده در همایش جمعیت‌شناسی با تأکید بر جوانان، شیراز.
- اسکندری، فایزه. (۱۳۹۲). سبک زندگی رسانه‌ای یا سبک رسانه‌ای زندگی، ماهنامه پیام زن شماره ۲۵۴ افراسیابی، محمد صادق. (۱۳۹۰). *مطالعات شبکه‌های اجتماعی و سبک زندگی جوانان*. تهران: سیمای شرق
- افسر دیر، بیتا؛ عبدالمالکی، هادی؛ اسماعیلی، فتح‌الله. (۱۳۸۹). نقش عوامل خانوادگی در نوع و میزان استفاده از اینترنت. *مجله علوم رفتاری*، ۴ (۴): ۳۲۷-۳۳۳.
- بخشی، بهاره؛ بختیاری، آمنه؛ طاهریان، مریم. (۱۳۹۲). نقش و کارکرد شبکه‌های اجتماعی مطالعه موردی شبکه اجتماعی
- جوکار، بهرام. (۱۳۸۳). *مقایسه‌ی نگرش دانشجویان دانشکده‌های علوم انسانی و مهندسی دانشگاه شیراز به دوستی دختر و پسر*. در مجموعه مقالات دومین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان. تهران: دانشگاه تربیت مدرس: ۲۹۱.
- رفاهی، ژاله؛ گودرزی، محمود؛ میرزایی، مرتضی. (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری رابطه دوستی پیش از ازدواج میان دختران و پسران از دیدگاه دانشجویان. *فصلنامه علمی- پژوهشی جامعه‌شناسی زنان (زن و جامعه)*، ۳ (۱): ۱۱۷-۱۳۳.
- شهابی، محمود؛ بیات، قدسی. (۱۳۹۲). اهداف و انگیزه‌های عضویت کاربران در شبکه‌های اجتماعی مجازی (مطالعه‌ای درباره جوانان شهر تهران). *مطالعات فرهنگ ارتباطات (نامه پژوهش فرهنگی سابق)*، ۱۳ (۲۰): ۶۱-۸۶.
- صدیق بنای، هلن. (۱۳۸۵). *زندگی ما در گرو رسانه*. همشهری آنلاین: www.hamshahrionline.ir
- عباس زاده، محمد. (۱۳۹۱). تأملی بر اعتبار و پایایی در تحقیقات کیفی. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۳ (۱): ۲۰-۳۴.
- عبداللهیان، حمید. (۱۳۸۳). *ارزش سنت و بازتولید فرهنگی*. مقاله‌ی ارائه‌شده در همایش جمعیت‌شناسی با تأکید بر جوانان، شیراز.
- کوثری، مسعود. (۱۳۸۶). *جهان‌فرهنگی کاربران ایرانی در شبکه دوست‌یابی اورکات*. تهران: مرکز اسناد پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات.
- گلزاری، محمود. (۱۳۸۲). بررسی دوستی با جنس ناهمسان در نوجوانان
- محمدعلی، حمیدرضا. (۱۳۹۳). رابطه میان دختر و پسر از محدودیت تا مصونیت
- موحد، مجید؛ شوازه‌ای، محمدتقی. (۱۳۸۵). بررسی رابطه جامعه‌پذیری و نگرش دختران به ارزش‌های سنتی و نوین در زمینه روابط میان شخصی دو جنس پیش از ازدواج. *مطالعات اجتماعی - روان‌شناختی زنان*، ۴ (۱): ۶۷-۹۹.
- موسوی حکمتی، محمدرضا. (۱۳۹۳). *ارتباطات پیش از ازدواج دوران نامزدی و عقد*. سایت طنین آرامش. mahmoodmoosavy.blogfa.com

- Birkelund , G & Heldal, J. (2003). Who Marries Whom? Educational Homogamy in Norway Demographic research. volume8. Article1.p.130.
- Boyd, D. M., & Ellison, N. B. (2007). "Social network sites: definition, history, and scholarship", *Journal of ComputerMediated Communication*, 13(1): 210230
- Bryman, A. (2001). *Social Research Method*. Oxford University Press.
- Chung, C. (2000). "Ahome on the web", *peresentation of self on personal hompage*; in D.Gaunlett (ed). *Web.Studeis: rewiring media studies for the digital age*; London: Amold.
- Friedman, M et al (2003). *Family Nursing Research Theory and Practice*, 5th edition. New Jersey. Pearson Education, Inc
- Heidmann.J. (2010). "Online Social Networks. Ein sozialer und technischer Überblick", Rtrived from www.uni-augsburg.de/exzellenz/.../wi272.pdf
- Haghes, M & Kohler, C. (2002). *Sociology: the core*. New York, McGraw Hill Higher Education
- Huoraei, M. (2009). Pre marital Relationships, Tehran: deklamagaran.
- Inglehart, R. Welzel, C. (2002). Modernization, Cultural Change and Democracy. *The Human Development Sequence*. Cambridge University Press.
- Joinson, A. N. (2008). 'Looking at', 'Looking up', or 'Keeping up with' people? *Motives and uses of facebook*. In Proceedings of the 26th annual SIGCHI conference on human factors in computing systems. pp. (1027–1036). New York: ACM.
- Jonsson, F.H. (2000). Parental divorce: long – term effects on mental health. *Family Journal of Social and Personal Relationships*30 (6): 771–794
- Masten, A. (2001). Resilience process in development. *American psychology*, 56.
- Parkins, D. Luter, T, & Jank, W. (2002). *Protective Factors that decrease the likelihood of puring for*
- Pelling, E. L., White, K. M, (2009). "The Theory of Planned Behavior Applied to Young People's Use of Social Networking Web Sites". *Cyber Psychology & Behavior* 12(6): 755-759
- Strauss A. Corbin J. (1998). *Basics of Qualitative Research*, 2nd ed. Newbury Park, CA: SAGE Publications
- Thatcher, J. B., M. L. Loughry, J. Lim and D. H.McKnight. 2007. Internet anxiety: an empirical study of the effects of personality, beliefs, and social support. *Information & Management* 44: 353–363.